



۲۰۱۸/۰۶/۲۵



م. اسحاق نگارگر

تخلیبي از اژدهای خودی



قسمت سی و سوم

تحلیلی

از اژدهای خودی

کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



اژدهای خودی

اژدهای خودی

قسمت سی و سوم

بُت های پیشرفت و انقلاب

۱۳ فروری ۲۰۱۵

ما ز کوری این قدر در بند رهبر مانده ایم
چشم اگر بینا شود بر کف عصا زنجیر پاست

(بیدل)

بخش اول

بلای رهبری و جوامع عقب مانده (۲)

جوامعی که از فیض سواد و آموزش برخوردار گردیده اند همانند جوامع عقب مانده گرفتار بلای رهبر پرستی نیستند و هر کس را به مدد تخیل قهرمان نمی سازند و برایش قدرتی بالاتر از انسان نمی دهند. در جوامع صاحب سواد و بصیرت اعضای احزاب سیاسی برای رسیدن به قدرت سیاسی و اهداف مشخص آن مردی را به اکثریت رأی اعضا به رهبری حزب بر می گزینند و آن شخص به نمایندگی از حزب خود به رهبری سیاسی می رسد و به مجردی که

باد نخوت در کله اش خانه کرد همان حزیش او را از اریکه قدرت پایین می کشاند. در جوامعی که اکثریت سواد ندارند رهبر چه رهبر حزب باشد و چه رهبر دولت مادام العمر رهبر است و چه بسا که مقامش به صورت میراثی به بازماندگانش انتقال می کند و این رسم هنوز هم در میان ما مردم رواج دارد. هنگامی که رهبر زمام امور یک کشور را برای همیشه به دست داشته باشد نخست قدرت خودش او را فاسد می سازد زیرا او می داند که کسی نمی تواند مقام رهبری او را تهدید کند و دوم قدرت های مهمتر می توانند بر او اعمال نفوذ کنند و او را به منفعت خود این سو و آن سو بچرخانند.

استاد بهاء الدین مجروح در پشاور می دید که رهبران نا منتخب چگونه در جنگال دشمنان مردم خود اسیر شده و به نفع دشمن در میان خود به جنگ افتاده بودند. استاد می گوید:

"ای مردم!

آن اضطراب بینام شما را در گرداب او هام فرو برده است و به ناپیایی و نا شنوایی کشانیده است. از خواب پریشان خود بیرون آید. به منظور دیدار آن بلا ی آدمخوار آماده گردید. بزدلان بیخبر را مگذارید در برابر او پا به فرار بگذارند و دلبران بی صبر را فرصت دهید که به منظور نبرد با وی از شهر بیرون روند زیرا، قهرمانان با قهرمانی آن بلا را بزرگتر می سازند و بزدلان از بزدلی بر قوت او می افزایند. اگر کسی با وی زور آزمایی ننماید و به منظور بزرگ ساختن خویشتن او را بزرگتر جلوه ندهد آن بلا سست و بیجان می افتد و اگر شخصی از او نهراسد و حلقه بندگی او را در گردن نیاویزد، ازدها بیمار می گردد. مستان را بگذارید بر او بخرند و کودکان را وادارید با وی بازی کنند. آنگاه خواهید دید که آن بلا چون سگ بی آزار و با وفاء، دم زنان و خزیده، خزیده خواهد آمد و در پای شما سر بر زمین خواهد نهاد. و بدانید که موجودیت ازدها از بیم و هراس مردمان است. قدرت آن از بندگی بندگان و عظمت آن از قهرمانی قهرمانان است."

انسان به مدد تخیل صورت های زیبا می آفریند و به آنچه می آفریند عشق می ورزد و وقتی کار این عشق به افراط کشید به تعصب بدل می شود. حضرت ابراهیم در کلام الله مجید به پدر خود می گوید:

"این تمثال ها چیست که شما آنها پرستش می کنید؟" ضرور نیست که این تمثال ها همه محسوس و ملموس باشند بلکه تصورات و عقاید انسان ها نیز می تواند به بت های مورد پرستش او بدل شوند. انسان در آیینۀ آن بت ها و عقاید یا تصورات ناملموس در واقع خود را می پرستد. نه تنها همین بلکه اگر زورش برسد دیگران را نیز به زور، تطمیع یا وسوسه به پرستش آنچه خود می پرستد وامیدارد.

استاد مجروح می گوید که در میان این همه بت های بیجان یک بت وجود دارد که نامش خرد خام است. می دانیم که میوه نارس خام می باشد و خرد هم اگر به پختگی نرسد خام است و هر دو جنبه زندگی یعنی جنبه مادی و معنوی را در نظر نمی گیرد و یک جنبه یعنی جنبه مادی زندگی را مطلق می سازد و از معنویات کاملاً انکار می کند و یا برای معنویات نیز دلایل مادی می پالد. خرد خام فاقد هرگونه عاطفه و هیجان است و این خرد خام دو بت دیگر را در بطن خود می پرورد که یکی بت پیشرفت و دیگری بت انقلاب است.

چرا استاد این هر دو را بت می خواند. این بحث را برای یک یادداشت دیگر می گذارم. تا آنگاه خدا یار و یاور همه دوستان باد! والله اعلم بالصواب. ۱۳ فروری ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر

بخش دوم

انقلاب آگاهی سرآغاز بت شکنی است

در قلمرو اژدها خیز نفس و بت های پیشرفت و انقلاب

۲۰ فروری ۲۰۱۵

امروز باز به سراغ اژدهای خودی استاد بهاء الدین مجروح می رویم و صحبت خود را در باره بت های پیشرفت و انقلاب دنبال می نماییم. عرفای مسلمان از مدت ها قبل در نهاد هر انسان بتی را یافته اند و آن بتی است که مادر بت های دیگر است. حضرت مولانا می گوید:

مادر بُت ها بُتِ نفسِ شماسْت

جُمَله بت ها مار و این بُتِ اژدهاست

استاد مجروح میگوید: ای دوستان من شامگاهی مستی را شنیدم که عربده کنان می رفت و با خود چنین می سرود:



الهی من گنهارم - گرفتار شب تارم

همی بینم یکی مشعل - کزان هوشیار و بیدارم

زند چشمک در آن پهنا - منور کرده پندارم

الهی شب چه تاریکست - از این ظلمات بیزارم

مرا مگذار ای ایزد - به خود میکن سر و کارم

رسم تا سوی آن مشعل - دل و جان بر تو بسپارم

سپس آن فرزانه دیوانه نما، آن مجذوب حق می گفت:

"ای مردمان! آخر چرا این ترس از دیوانگان؟ بیم و هراس از دادگاه آگاهی! بهر خدا ای مردمان! از خود بترسید! آن بلای برملا، آن دشمن هر جان و تن، دانید کجاست؟ اندکی سر در گریبان خود کنید. در آنجا زادگاه اژدها را خواهید یافت، سرزمین آفت و طوفان خیز".

همین است عمق فلسفه اسلام و عرفان اسلامی که در خطبه نماز جمعه از "شورور نفس ها" و "بدی های اعمال خود" به خدا پناه می بریم. استاد مجروح هنگامی که وارد وادی اصنام می شود بحث خود را با شعری آغاز می کند.

هر سنگ که بر سینه زدم نقش تو بگرفت

آن هم صنمی بهر پرستیدن من شد

منظور مضمون همان شعر اقبال است که میل پرستش در نهاد انسان هست و بنا بر این ناز شیرین در هر صورت بی خریدار نمی ماند و اگر خریدار این ناز خسرو نباشد کوهکن است. انسان پیش از اینکه دیگر پرست باشد خود پرست است ولی این خود پرستی را در جامه تمثال ها یا بتان دیگر می پوشاند و در لباس آن بت ها خود را بر دیگران می قبولاند. فکر می کنم در یکی از ظرافت های عبید زاکانی خوانده باشم که دو مرد با یکدیگر دعوا داشتند و آن دعوا را به محضر قاضی بردند و چون قاضیان آن روزگار نیز همانند قاضیان و خرنوالان روزگار ما نفسی اسیر رشوه داشتند یکی از مدعیان بامداد وقت برای قاضی یک دستار قیمتی آملی بُرد تا دعوا را به نفع او فیصله کند. قاضی دستار را گرفت و به مرد گفت: "برای اینکه ترا بشناسم که دستار آورده ای وقتی در محکمه آمدی دست به دستار خود ببر و سرفه ای کن تا ملتفت شوم".

اما بعد از وی مدعی اش گاوی شیری برای قاضی بُرد و هنگامی که هر دو در محکمه رفتند آنکه دستار رشوه داده بود ملتفت شد که قاضی می خواهد دعوا را به نفع مدعی اش فیصله کند دست به دستار خود مالیدن گرفت و دو سه سرفه محکم کرد ولی قاضی به سوی او دید و گفت: "چه در دستارت دستک می زنی دستار ترا وقت گاو خورد".

مردم روزگار در هر مورد غالباً به فرمان نفس خود فیصله می کنند و به همین جهت حکم متن کتاب شان یک چیز است ولی حکم حاشیه کتاب چیز دیگر.

می گویند یک چیز و عمل می کنند دیگر چیز. آنانی که در راه حصول قدرت سیاسی تلاش می کنند هدف شان همین است که خود عروس قدرت و مکنت را تنگ در آغوش بکشند ولی دو بت دیگر را روپکش این داعیه می سازند. روپکش نُحُست "بُت پیشرفت" است و دوم "بُت انقلاب". اُستاد این هر دو را بُت می خواند به دلیل اینکه پیشرفت به صورت طبیعی و گام به گام در نفس جوامع انسانی نهفته است و برخی از این عناصر پیشرفت طوری است که سبب پیشرفت در چندین زمینه می شود مانند کشف آتش، کشف آهن یا انکشاف زبان اما انقلابیون پیشرفت را به زور در حالتی که جامعه آماده قبول آن نیست بر جامعه تحمیل می کنند و متوسل به زور و خشونت می شوند که نتیجه معمولاً برعکس است. همین گونه پیشرفت مبتنی بر زور و خشونت را اُستاد "بُت" می خواند که مردم برای پرستش آن به زور فراخوانده می شوند. و این هر دو بت در بطن خرد خام پرورش می یابند. بت پیشرفت سُکر آور است ولی بت انقلاب خون آشام و دهشت گستر. اُستاد حکایتی از صبح آزادگان و داستانی چند از شبستان بت پرستان ذکر می کند که من در همین جا لب فرو می بندم و سرزمین صبح آزادگان و شبستان بُت پرستان را برای یادداشتی دیگر میگذارم. تا آن وقت خداوند(ج) یار و مددگار همه دوستان باد! والله اعلم بالصواب ۲۰ فیروزی ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر

پایان قسمت سی و سوم
ادامه دارد

قسمت های اول تا بیستم این مطلب را با باز نمودن لینک های پایان می توانید مطالعه فرمائید:

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/1_negargar_tahliley_bar_ajdahaye_khodi_1.pdf

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲.pdf
قسمت دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۳.pdf
قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۴.pdf
قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_ajdahay_khodi_۵.pdf
قسمت پنجم:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۶.pdf
قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۷.pdf
قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۸.pdf
قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۹.pdf
قسمت نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۰.pdf
قسمت دهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۱.pdf
قسمت یازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۲.pdf
قسمت دوازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۳.pdf
قسمت سیزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۴.pdf
قسمت چهاردهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۵.pdf
قسمت پانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۶.pdf
قسمت شانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۷.pdf
قسمت هفدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۸.pdf
قسمت هژدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۹.pdf
قسمت نوزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۰.pdf
قسمت بیستم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۱.pdf
قسمت بیست یک

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۲.pdf
قسمت بیست دو

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۳.pdf
قسمت بیست و سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۴.pdf
قسمت بیست و چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۵.pdf
قسمت بیست و پنجم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۶.pdf
قسمت بیست و شش

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۷.pdf
قسمت بیست و هفت

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۸.pdf
قسمت بیست و هشت

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۹.pdf
قسمت بیست و نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۳۰.pdf
سی ام

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۳۱.pdf
سی و یکم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۳۲.pdf
سی و دوم